انتقاد کتاب در راهنمای کتاب

با یادی از پدر کتابشناسی ایران

زهی سعادت که نخستین ویژه‌نامهٔ گزارش میراث به نکوداشت یاد استاد ذو فنون، نادرهٔ دوران، زنده یاد ایرج افشـار اختصاص یافت و مورد توجه و اسـتقبال علاقه‌مندان به ایشان و دوسـتداران فرهنگ اسلامی ایران قرار گرفت.

در دومیـن ویژه‌نامه، به موضوع تلخ انتحال و کتابسـازی که بلای جان فرهنگ کشورمان شده، پرداختیم و گزارشی از وضعیت کتابسازی‌ها و سـرقت و انتحال شـیفته نمایان به کتاب ارائه شـد تا هم درسی باشد برای مبتلایان و هم آموزه‌ای باشد برای پرهیزگاران. مع ذلک سعی شد تا اسـمی از کسی برده نشـود و آبرویی خدشه برندارد و خار قلمی، خاطر مرتکـب الانتحالی را نخلد، به ایـن امید که این گام کوچک مؤثر افتد و صاحبان همت، این راه را پی گیرند و ویژه نامه‌هایی دیگر نشـر دهند تا اندیشـه انتحال از سر مرتکبان خارج شـود و دیگر کسی نتیجهٔ اندیشهٔ دیگری را به نام خود ثبت نکند و از تلاش دیگران نان به نرخ روز نخورد.

بحمـدالله و المنّه این ویژه‌نامه مورد اسـتفادهٔ بسـیار واقع شـد و تشویق‌ها و تحسین‌هایی در پی داشت. هیچ شماره‌ای از نشریات میراث مکتـوب تا این حد باعث رضایت این خادم نشـده بـود. بدین روی از ما خواسـته شد که شماره‌ای دیگر به این موضوع اختصاص دهیم که فعلاً اوضـاع زمانه بر وفق مراد نیسـت و باید با عصـای صرفه‌جویی، لنگان لنگان به واجبات برسیم و از مستحبات دست بکشیم تا ـــ ان شاءالله ـــ عهد رونق و حاصلخیزی فرا رسد.

امـا سـومین ویژه‌نامـه را به موضـوع «**نقـد**» اختصـاص دادیم بدین‌گونه که ویژه‌نامهٔ پیشـین، ویژهٔ رو کردن دسـت متقلّبان بود و این یکی تقریر کار ناصواب محققان. نقد کارهایی که در آنها اصول تحقیق و تصحیح، سهواً یا عمداً رعایت نشده که طبعاً با نشر انتقاد و نقد آن اثر، صاحـب اثـر و نیز دیگر رهروان طریقت تحقیـق و تصحیح و تألیف، در می‌یابنـد که با دقت و حوصله و کنکاش بیشـتر کار خود را عرضه کنند و بدانند که هماره چشـم و گوش بینا و شـنوا هست که نظاره‌گر عمکرد علمی آنان باشـد. ازین رو بهتر اسـت مصحح، پیش از آن که کسی کار او را به نقد کشـد و کم دقتی‌های او را گوشـزد کنـد، در کار خود غور و مداقّـهٔ دوچندان نماید تا از تیغ نقادان تیزبین دورماند. البته اغلب، کاری به نقد می‌سزد که به قول بیهقی: «... به یکبار خواندن می‌ارزد» پس آن کس که وقت خود را صرف نوشتن نقد کتابی می کند، هم به صاحب اثر خدمت می‌کند و هم به جامعهٔ علمی کشور. گاه کارهای ضعیفی هم نقد شـده تا فرد مصصح‌نما متنّبه شـود و کارهایی که در حدّ و وزن او نیست

به دست نگیرد.

بـه هر صورت، برای هیچ کس نقد خوشـایند نیسـت. همه طالب تشـویق و تحسین‌اند. اما نقد منصافانه، بسـان قهوهٔ تلخ است که آن را فوایدی است بسـیار، گرچه گاه منتقد، قلم را به طعنه می‌آلاید و بدانچه نباید و نشاید، صاحب اثر را می‌نوازد و موضوع را به مجال تسویه حساب شـخصی یا به قول قائلی: پوسـت کندن از فلانی، بدل می‌سازد که این هم کاری‌ست زشت و ما برآنیم که از آن بپرهیزیم؛ چه این مجال برای نقد اثر اسـت نه صاحب اثر. هرچند باید اذعان و اعتراف نمود که در این وادی ما در نشـریات خود به سهو، گاه دچار خبط و خطا شده‌ایم و خاطر عاطر عزیزی را رنجانده‌ایم و همچنان در حسرت و انتظار عفو و بخشش رنجیدگانیم.

اکنون که ویژه‌نامهٔ نقد منتشر می‌شود، ایام دومین سالگرد درگذشت مرحوم اسـتاد ایرج افشـار در پیش است. یکی از ویژگی‌های این رادمرد کم نظیر فرهنگ ایـران، اخلاقیات او بود. ندیدم از او غیبتی و دروغی و تهمتی و اسـائهٔ ادب به ساحتی. هرچند او در مکتوبات و پاره‌ها و نکته‌ها در نشریات گاه به تصریح، خود را از نسبت‌های ناروایی که به او می‌دهند، منـزّه می‌دانسـت، مع ذلک در نقـد او آنچه روا نیسـت و به دلایلی که هنوز نفهمیدم ــ و به رغـم انتشـار ماجرای دیدار ایشان با مقام معظـم رهبـری ــ در رسانه ها باز می‌نویسند.

موضوع سـخن بنده در مراسم اولین سالگرد فوت آن عزیز فرهنگ ایران، «اخلاق نقد از دیدگاه ایرج افشـار» بود که وی بیشـتر در نشـریهٔ راهنمـای کتـاب و بعدها آینده به بررسـی کتاب‌های تازه نشـر شـده می‌پرداخت. آنچه در ذیل می‌آید خلاصه‌ای است از آن مطالب که تقدیم می‌شود.

نقد و ادب انتقاد کتاب از دیدگاه استاد افشار

وقتی اثری یا کتابی تألیف، ترجمه یا نسـخه‌ای تصحیح و سپس منتشر می‌شـود، از دست پدیدآورندهٔ آن خارج و در اختیار عموم و نیز در معرض داوری خـواص قرار می‌گیرد. این جملهٔ معـروف عربی را که به صاحب بن عَبّاد نسـبت می‌دهند، همگان شنیده‌اند که «من صنّف فقدِ استُهدِف» هرکـس بنویسـد، خود را مورد هدف قـرار داده اسـت. پدیدآورنده باید پاسـخگوی کار خود باشد. اهمیت و ارزش نقد در فرهنگ اسلامی بسیار تأکید شـده اسـت. حکما گفته اند: حیات العلم بالنقـد و الرد، ماندگاری علم به بحث و بررسـی و نقد آراء و اندیشه‌هاسـت. اگر نقد نباشد رویش علف‌های هرز فرهنگی، دوچندان می‌شـود، پخته‌خواری و کتابسـازی رونـق می‌گیرد و اشـخاصی خـود را به عنوان مؤلف یـا مصحح مطرح می‌کنند که بی شـک با رواج فرهنگ نقد و نقادی، می‌توان جلوی افراد بی‌مایـه و فرصت‌طلب را گرفـت، چنانکه می‌تـوان فرهیختگان را هم متوجه اشـکالات فنّی و تخصّصیِ کارشان کرد تا همان خطاها را در آثار دیگرشان مرتکب نشوند و خوانندگان خود را گمراه نسازند.

بـا این رویکرد، مرحوم ایرج افشـار به عنوان مدیر مسـئول و گاه سـردبیر مجله‌های راهنمای کتاب، آینده، فرهنـگ ایران زمین و دیگر نشـریه‌ها، نقدهایی صریح، حرفـه‌ای و دقیق و در عیـن حال، خالی از حبّ و بغض و غرض ورزی منشـر می‌کـرد که برخی از آنها به قلم خود ایشان بود. او در راهنمای کتاب بیشتر به حوزهٔ معرفی نسخه‌های خطی، کتابشناسـی، ایرانشناسی و مباحث کتابداری و نوشتن شرح احوال و آثار دانشمندان تازه در گذشته، می‌پرداخت به طوریکه جمعاً حدود ۷۰۰ شرح حال نوشته شد و دوستی همت کرد و همهٔ آنها را در کتابی تحت عنوان نادره کاران منتشر کرد.

اسـتاد افشار در هر نقدی، نخست به معرفی اجمالی اثر می‌پرداخت و سـپس فواید و محاسن کار مؤلف یا مصحح را بیان می‌نمود. بیشترین موضوعـی که مورد توجه ایشـان بـود، این که آیا این اثـر در چارچوب موضوع و سـاختار کتاب، تألیف شـده یا نه؟ و یا اگر نسخهٔ خطی است، آیا با اقدم و اصحّ نسـخ مقابله شـده یا نه؟ برای مثال، ایشان ذیل نقد بر کتاب تاریخ ملازاده که دربارهٔ مزارات بخاراسـت و مرحوم گلچین معانی آن را تصحیح کرده بودند، نوشـته‌اند: به رغم اینکه همهٔ نسخ خطی این کتاب جدید نویس است، اما خوشبختانه تصحیح کتاب با مراجعه به کتب تاریخی، میسّر شده و اسامی شهرها و اعلام به صورت درست طبع شده است. (راهنمای کتاب، ش ۳، س ۳، ص:۳۴۴)

اعتذار مرحوم احمد آرام از نقدنویسی

نوشـتن نقد کتاب شهامت و جسـارت و تخصص می‌خواهد، کسانی که به اصطلاح مأخوذ به حیا هسـتند و مراعات دوست و آشنا و حرمت اهل علم را می‌کنند، ترجیح می‌دهند برای خود دشمن تراشی نکنند. از جمله این افراد مرحوم احمد آرام بود، وقتی استاد افشار از ایشان درخواستند که نقدی بر کتابی بنویسند، ایشان در پاسخ نوشتند:

> کتـاب را خدمتتـان پس می‌فرسـتم. می‌خواهم دیگـر از این فضولی‌هـا در آثـار دیگران نکنم و مثل بسـیار کسـان دیگر، محبوب‌تر از آن باشـم که هسـتم، با کمال شرمندگی عذرم را بپذیرید.

(نامه‌های خاموشان: ص ۱۱۷)

چاپ نقدی از دوستی علیه دوست نزدیک خود

چاپ نقـد کتاب‌های دوسـتان نزدیک خود در مقام مدیـر مجله، مانند نقدی که مرحوم آل احمد بر کار دکتر منوچهر ستوده نوشته بود، از دیگر ویژگی‌های مرحوم افشـار بود. استاد ستوده رسالهٔ لغات رامند قزوینی را تصحیـح و در مجلهٔ فرهنگ ایران زمین چاپ کرده بود. مرحوم آل احمد با لحنی طنزآلود، حسـابی جناب سـتوده عزیز را مشت و مال داده بود و آخر مقاله خود گوشـهٔ چشمی هم به استاد افشار داشتند و با دادن نسبتی ناروا به ایشـان، افزوده بودند :«جزوهٔ فلان‌الدوله را چاپ کردند و به جای او، به نان و آبی رسیدند». (همان: ص ۲۱۸)

آقای افشار با حوصله و متانت خاص خود، نقد آل احمد را عیناً چاپ می‌کنند و چند خطی هم دربارهٔ وی و شیوهٔ نقد او به این شرح می‌نویسند:

> زبان و نوشـته‌های طنزآلود آقای آل احمد مخصوص خودشان است، اما به سبب فوایدی که کارهای ایشان و از جمله این انتقاد در بر دارد و ضمناً ظریف است، طبعاً تغییری در شیوهٔ نگارش و بیان این یادداشت وارد نشد و بدون هیچ تصرفی تمام مطالب انتقادی و مخصوصاً نیش غولی(غیر مرتبط) ایشان درج شد تا چنان که بذل زحمتی که کرده‌اند، بیخ ریششـان نماند و خوانندگان کاملاً روشن شـوند و بدانند با این کارهـا، اگر به آب و نان نمی‌توان رسـید، ولـی محتملاً به «درّ یتیم» (اشاره به کتاب: خارک درّ یتیم خلیج فارس) می‌توان رسید. (بیان ماجرا در راهنمای کتاب و نامه‌های خاموشان)

تکریم همزمان ناقد و کار شخص نقد شده

استاد افشار یادداشت عالمانه‌ای بر نقد «بی باکانهٔ» مرحوم هوشنگ اعلم بر کتاب کتابشناسی ایران تألیف شادروان ماهیار نوابی نوشتند و اهمیت و ارزش کار هر دو بزرگوار را به این صورت بیان کردند:

> آقای هوشـنگ اعلم... از کسـانی اسـت که به دقایق علم کتابداری جدید آشناست. مردی است بسیار دقیق و بی پروا در انتقاد و به همین ملاحظه است که کتاب ماهیار نوابی را از سر دلسوزی مورد رسیدگی قرار داده اسـت. دکتر ماهیار نوابی یکی از دانشمندان معدود ما است که به فایدهٔ وسیع کتابشناسی، پی برده و سال‌های بسیار دراز است که اسم و نشانی کتب و مقالات را جمع می کند و با حوصله و رنج بسیار، کتاب حاضر را فراهم کرده است. طبیعی است در چنین کتابی اغلاط و سـهوها روی می دهد و من به عنوان یک دوستدار فنّ کتابشناسی (تواضع اسـتاد) کار آقای ماهیار را با ارزش می دانم و انتقادات آقای اعلم را از نظر یک کتابدارِ متخصص وارد و...
>
> (نامه‌های خاموشان: ۳۷۲؛ راهنمای کتاب، ۱۴ (۱۳۵۰)، ص ۳۵۳-۳۶۲)

آیا افشار در چاپ نقد بر کتاب دوستان خود محضوراتی داشت؟

مردمداری، ادب و حسـن خلق اسـتاد افشار به گونه‌ای زبانزد بود که گاه برخی از دوسـتان وی تصور می‌کردند که ایشـان در چاپ نقدها بر کتب دوسـتان خود مشـکلاتی دارد. مرحوم تقی بینش در مورد نقدهایی که افشار با شهامت و متانت بر چاپ آثار دانشمندان و فضلای هم عصر خود در راهنمای کتاب منتشـر می‌کرد، با اظهار شگفتی در نامه‌ای خطاب به استاد می‌نویسد:

> جنابعالـی در محضـور عجیبی هسـتید، زیرا اهل قلـم، نازک دل و حسـاس هسـتند و خیلی زود می‌رنجند، مثلاً یکـی کتابی تألیف یا تصحیـح می‌کنـد و دیگری بر آن نقدی می‌نویسـد و احیاناً نقد را به صورت تاختن و تسویه حساب شخصی و غرض‌ورزی قرار می‌دهد و جنابعالی که با هر دو، دوسـت و آشنا هستید و برای همهٔ اهل فضل ، احترام قائلید، معطل می‌مانید چه کنید...

البته تاکنون دیده یا شـنیده نشـده که ایشان در این موارد، جایی معطل مانده، رو دربایسـتی نموده و نقدی را چاپ نکرده اند. (ص ۶۷۲، نامه‌های خاموشان و راهنمای کتاب، سال ۱۵ ش ۱۰ ص ۸۶۵)

توصیف استاد افشار توسط مرحوم آذریزدی

مرحوم آذریزدی نامهٔ مفصلی خطاب به استاد افشار نوشتند که در جلد اول کتاب نامه‌های خاموشان درج شده است، انصافاً انتقاداتی که بر تصحیح یکی از فضلای معاصر ذکر می‌کنند، درخور توجه است، اما احتمالاً چون نامـهٔ خصوصی بوده، در تجدید چاپ آن باید اصلاحی صورت گیرد، خود آن مرحوم برای امانت داری، در این گونه موارد، نقطه چین می‌گذاشـت و در پاورقی می‌نوشـت: در اصـل ناخوانا یا اصـلاً آن را چاپ نمی‌کرد. آقای آذر یـزدی در پایان نامهٔ انتقادآمیز خود، نمی‌تواند احساسـاتش را نسـبت به استاد افشـار کتمان کند و چنین می‌نویسد: «آقا شما به وضع عجیباً غریبایی خوب هسـتید که در عین بی‌نیازی، برای مردم آن همه کار می‌کنید، کارهایی که اگر نبود، کسـانی که عشقشان کتاب است، از دسـترس نداشتن به بسـیاری از مراجع، دچار حرمان می‌شدند و حالا در لحظه لحظهٔ ایام، حضور آثار شما دم دستشان حلّال بسیاری از مشکلات است و علاوه بر آن، یک نوع مهربانی در ذاتتان نهفته است که کم نظیر اسـت، مثل نامه نوشتن از آن راه دور با همهٔ اشتغالات ذهنیی که در این گونه سفرهاست.» (نامه‌های خاموشان، آذر یزدی ص ۹۵)

■

سردبیر